

اعتماد اجتماعی، زنان و سیاست‌های مقابله با تغییرات آب و هوا

صادق صالحی^۱

زهرا پازوکی نژاد^۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۲۸

چکیده

در عصر حاضر، اعتماد به موضوعی حیاتی برای جوامع انسانی تبدیل شده و نقش اساسی در سیاست‌های مقابله با مشکلات اجتماعی به ویژه در زمینه خطرهای محیط زیستی دارد. مقابله با خطرهای محیط زیستی مانند تغییر آب‌وهوا، نیازمند آگاهی است؛ آگاهی و آمادگی برای مقابله با مخاطرات برای همه گروه‌های اجتماعی لازم و ضروری است از جمله زنان که قشر آسیب‌پذیری در مقابل مخاطرات محیط زیستی هستند. این آگاهی معمولاً از سوی نهادهای اصلی و مرتبط همچون دولت، سازمان‌های خصوصی محیط زیستی و دانشمندان به دست می‌آید. بنابراین، پذیرش این آگاهی و اعتماد به آنها، مستلزم اعتماد مردم به نهادهای مرتبط با آن است. در این بررسی، میزان اعتماد دانشجویان نسبت به منابع اطلاعات (دولت، سازمان‌های خصوصی محیط زیستی و دانشمندان) و تفاوت آن بر مبنای جنسیت و دانشکده بررسی شده است. برای انجام این پژوهش از روش پیمایش استفاده شده و با نمونه‌گیری طبقه‌ای، ۴۱۱ نفر از دانشجویان انتخاب شدند. یافته‌ها حاکی از آن است که اعتماد دانشجویان به منابع اطلاعات کمی بیشتر از متوسط بود و گروه‌های حامی محیط زیست، معتمدترین منبع اطلاعات تغییر آب‌وهوا بودند. همچنین تفاوت محسوس فقط در اعتماد بر اساس جنسیت به دانشمندان مربوط است. علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد که میزان اعتماد دانشجویان پسر به منابع اطلاعات بیش از دانشجویان دختر بود. منابع اعتماد بر مبنای دانشکده نیز متفاوت بود. به عبارت دیگر، دانشکده‌هایی که برنامه درسی‌شان ارتباط نزدیک‌تری با موضوع‌های محیط زیستی داشته است اعتماد بیشتری به دانشمندان و سازمان‌های خصوصی داشتند. در پایان، بر اساس تفاوت‌های جنسیتی در اعتماد به منابع اطلاعات و دانشکده، پیشنهادهایی ارائه شد.

واژه‌های کلیدی: خطر، منابع اعتماد، جنسیت، تغییر آب‌وهوا، زنان

۱. استادیار جامعه‌شناسی محیط زیست، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران

(نویسنده مسئول)، s.salehi@umz.ac.ir

۲. کارشناس ارشد مطالعات جوانان دانشگاه مازندران، zahrapazoki1464@gmail.com

مقدمه

براساس تجربه با وجود سطح بالایی از اعتماد اجتماعی، مشارکت افراد در فعالیت‌های عمومی گسترده‌تر است (سویزی و محمدی، ۱۳۹۰: ۳۲-۱۳۱). اعتماد به معنای این باور است که دیگران با اقدام یا خودداری از اقدامی به رفاه من/ ما کمک می‌کنند و از آسیب زدن به من/ ما خودداری می‌کنند (تاج‌بخش، ۱۳۸۹: ۲۱۲). اعتماد در عصر کنونی بسیار مهم است دورانی که جامعه‌شناسان معتقدند انسان‌ها در حال ورود به دوره‌ای با مشخصه جوامع مخاطره‌آمیز^۱ هستند. در این جوامع، انسان‌ها می‌بایست زمان و انرژی خود را صرف خطرها^۲ و احتمال خطرها^۳ کنند که به سادگی با ادامه شیوه زندگی در دنیای صنعتی و رفاه مادی و سبک‌های زندگی نسبتاً مرفه به وجود آمده است (ساتن، ۱۳۹۲: ۱۴۴). در واقع، مشکلات محیط زیستی که اکنون حیات کره زمین را تهدید می‌کنند مقیاس جهانی دارند. الریخ بک^۴ (۱۹۹۵) جامعه‌شناس نامدار آلمانی و صاحب نظریه "جامعه مخاطره‌آمیز" معتقد است «جامعه مخاطره‌آمیز به معنای دورانی است که در آن جنبه‌های تاریک پیشرفت بر مباحث اجتماعی چیره می‌شود. جنبه‌هایی که کسی آنها را ندیده و نخواسته است - یعنی به خطر انداختن خود و تخریب طبیعت - تبدیل به نیروی محرکه تاریخ شده است» (بری، ۱۳۸۶: ۲۰۶). یعنی جامعه‌ای که در آن، انواع مسائل محیط زیستی از جمله نازک شدن لایه ازن، تغییر جهانی آب‌وهوا، گرم شدن کره زمین و... خطرهای پیچیده بلندمدت جهانی، اغلب ناگهانی و تا حد زیادی نامحسوس بیان می‌شود. براساس تحلیل بک از جامعه مخاطره‌آمیز، نهادهای متمرکز مانند حکومت‌های ملی، اساساً فاقد قابلیت پاسخگویی به دغدغه‌های محیط زیستی و مربوط به خطر هستند (ایروین، ۱۳۹۳). چنانچه مخاطرات، مرزهای ادراک حسی را درمی‌نوردند در نتیجه دامنه‌های آن به فواصل مکانی خیلی دور رفته و آثار آنها به لحاظ زمانی بلندمدت است. مردم برای آگاهی از اطلاعات و درک نشانه‌هایی که تفسیر چنین فرآیندهایی را امکان‌پذیر کنند به نظام‌های کارشناسی ملی و کارشناسی جهانی وابسته می‌شوند (مک ناگتن، ۱۳۸۷). پایایی و اعتماد به منابع اطلاعات، مسئله مهمی در جامعه مخاطره‌آمیز است؛ همچنین اطلاعات مطمئن مشخص می‌کند که چه گروه یا سازمانی، سیاست‌های اجتماعی مقابله را شکل می‌دهد و قدرت اجتماعی‌اش را القا می‌کند. اعتماد منبع نادری است که بابت آن

-
1. Risk Societies
 2. Hazards
 3. Risk
 4. Ulrich Beck

گروه‌های مختلف در فرآیندهای ارتباطی با هم رقابت می‌کنند (رین^۱ و لوین^۲، ۱۹۹۱: ۱۷۵). گیدنز (۱۳۷۷) مفهوم اعتماد را اطمینان یا اتکا به گونه‌ای کیفیت، صفت یا حقیقت یک عبارت توصیف می‌کند. به اعتقاد وی مفهوم اطمینان و اتکا با هم ارتباط دارند (ص. ۴۷). از دیدگاه او، مخاطرات تازه‌ای خلق می‌شود که ممکن است محلی یا جهانی باشند. مواد غذایی حاصل از عناصر مصنوعی ممکن است عوارض مسموم‌کننده‌ای داشته باشند که در بیشتر غذاهای سنتی وجود ندارد. حوادث ناگوار محیط زیستی ممکن است کل زیستگاه کره زمین را تهدید کند؛ این تهدید ممکن است اعتماد مردم به نظام‌ها و توانایی آنها برای حفظ امنیت را دستخوش تغییر و تحول کند (زین‌آبادی، ۱۳۸۷: ۲۱). مردم می‌بایست با این گونه مخاطرات و روش‌های مقابله با آنها آشنا شوند. در این زمینه، اسپیلمن و همکارانش (۲۰۰۳) معتقدند «آگاهی بیشتر از مباحث محیط زیستی، فرد را به سوی فعالیت‌های داوطلبانه‌ای سوق می‌دهد که بیشتر آثار پیشگیرانه دارد. درک یافته‌های علمی برای عموم دشوار است بنابراین می‌بایست علم در قالب نیازهای عموم و به زبان ساده تفسیر شود.» (ص ۲۱۲). رین و لوین (۱۹۹۱) نیز معتقدند «تشریح یک خطر و ایجاد دغدغه در شهروندان به فرآیندهای ارتباطی وابسته است که ۹ کارکرد مشخص دارد. بهبود ادراک خطر، ارائه اطلاعات درباره خطرها به قربانیان بالقوه، تغییر نگرش‌ها، تبیین و توجیه مدیریت مخاطرات و تقویت اعتماد به فرآیند مدیریت، ارتقا حفاظت عمومی با آگاهی درست، تغییر رفتارها، تسهیل مقابله با خطرها، آموزش تصمیم‌گیرندگان درباره دغدغه‌ها و تصورات عمومی و در نهایت، مشارکت و مقاومت در مواجهه با اختلاف‌های مرتبط با خطرها» (ص ۱۷۸). چگونگی اطلاعات به اعتماد وابسته است و اعتماد به منابع اطلاعاتی مختلف، یکی از شاخص‌های مهم آگاهی از رفتارهای مسئولانه محیط زیستی است. گروه‌های محیط زیستی، سازمان‌های دولتی، رسانه‌ها و برنامه‌های دانشگاهی ارائه‌دهنده اطلاعات درباره محیط زیست هستند و این اطلاعات اغلب مخاطبان مختلفی را هدف قرار می‌دهد. در صورت اعتماد شهروندان به منبع، اطلاعات لازم درباره مسائل محیط زیستی و رفتارهای مسئولانه محیط زیستی را خواهند پذیرفت. اعتماد اجتماعی به شبکه اطلاعات، نقش مهمی در رفتارهای محیط زیستی دارد. اعتماد به سازمان‌های ارائه‌دهنده اطلاعات منجر به آگاهی از مسئله محیط زیستی و درک سیاست‌های علمی و عمومی محیط زیستی می‌شود که یکی از پیش‌نیازهای مشارکت در

سیاست‌ها و برنامه‌های محیط زیستی است (لائوریان^۱، ۲۰۰۳ : ۲۶۰). اعتماد اجتماعی در نقش یک سرمایه اجتماعی مهم موجب کاهش پیچیدگی و ابهام در محیط اجتماعی می‌شود و در جامعه مدرن و مدیریت خطرناک نقش مهمی دارد. وجود اعتماد در افراد موجب عملکرد بدون ترس و نگرانی از پیامدهای آن و همچنین پذیرش و حمایت از سیاست‌های مقابله با خطرناک می‌شود. در نهایت، این موضوع به اجرای سیاست‌ها کمک می‌کند (هانیکسا^۲ و روزانی^۳، ۲۰۰۵ : ۲). اعتماد به اطلاعات ارائه شده از سوی سازمان‌ها و گروه‌ها، شناخت و درک پدیده‌های پیچیده‌ای مانند تغییر آب‌وهوا را آسان می‌کند. بنابراین اعتماد منجر به دریافت آسان اطلاعات و تشکیل شبکه‌ای مطمئن خواهد شد که افراد به آن اتکا خواهند کرد؛ مانند دریافت وام یا امکانات هنگام وقوع حوادث طبیعی یا تغییرات آب‌وهوایی (خان نیم^۴، ۲۰۱۱ : ۴). اعتماد دلیل مهمی برای همبستگی اجتماعی است. همچنین اعتماد بخشی از آگاهی اجتماعی نیز هست؛ یعنی اعتقاد به اینکه با وجود گروه‌های مختلف در جامعه در برخی موارد سرنوشت مشترکی با هم دارند و در نتیجه افراد با امکانات بیشتر موظفند به افراد با امکانات کمتر، کمک کنند (اسلندر و برودستین، ۱۳۸۷ : ۱۲۷). در پروتکل کیوتو یکی از بندهای مقابله با تغییر آب‌وهوا نیز همین مسئله بود که کشورهای غنی می‌بایست به کشورهای در حال توسعه برای مقابله و تجهیز شدن کمک کنند (پازوکی‌نژاد، ۱۳۹۱ : ۱۴).

مشکلات محیط زیستی از جمله تغییر آب‌وهوا، پدیده‌ای است که برخی از گروه‌ها آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به آن دارند. یافته‌های جامعه‌شناختی مربوط به گروه‌های جمعیت‌شناختی که آسیب‌پذیری بیشتری در مقابل تغییر جهانی آب‌وهوا دارند، اطلاعات خوبی را برای سناریوهای توسعه انسانی فراهم می‌کند (کانان^۵، ۲۰۰۹ : ۵۵-۵۸). یکی از زمینه‌های محوری در پژوهش‌های مربوط به جنسیت و تغییر آب‌وهوا آن است که تغییر آب‌وهوا، پدیده‌ای خنثی از جنبه جنسیت نیست بلکه علل و تأثیرات ناهمسان بر جنسیت دارد (مک‌گریگور^۶، ۲۰۱۰ : ۱۲۷). دلیل اصلی آن فقط این نیست که مردان و زنان تجربه‌ای ناهمسان از تغییر آب‌وهوا خواهند شد بلکه به این دلیل است که زنان چندین برابر بیشتر از مردان از آثار آن آسیب

1. Laurian
2. Hongxia
3. Rosanne
4. Khanh Nam
5. Canan
6. Mac Gregor

می‌بینند؛ همچنین ادعا می‌شود که زنان با نقش‌های اجتماعی‌شان همچون مراقبت‌کنندگان و فراهم‌کنندگان و نیز جایگاه اجتماعی‌شان که در سلسله مراتب اجتماعی جزء فقیرترین و آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه در کنار کودکان، در مقابل اشکال مختلف تخریب محیط زیستی آسیب‌پذیری بیشتری دارند (همان منبع). در مجموع، زنان با آسیب‌های خاص مواجهند و ظرفیت‌های مشخصی نیز دارند. بنابراین زنان به دلیل تعامل نزدیک با نظام‌های طبیعی، اجتماعی و اقتصادی بهتر علل و پیامدهای محلی آثار انسان ساخت بر تغییر آب‌وهوا را درک می‌کنند. شاید به همین دلیل برخی از صاحب‌نظران معتقدند که در نظر گرفتن اقتصاد جنسیتی پروتکل کیوتو^۱ و مشارکت فعال و برابر زنان در روند تصمیم‌گیری برای توسعه پاک^۲، انتقال فناوری، پژوهش‌هایی در زمینه آسیب‌پذیری و برنامه‌های کاهش و سازگاری، ضروری است (اسمیت^۳، ۲۰۰۹: ۸۰۲). با توجه به مسئله و در نظر گرفتن سه محور آن یعنی اعتماد (عامل توسعه اجتماعی)، تغییر آب‌وهوا (خطر محیط زیستی) و جنسیت (وجه آسیب‌پذیری)، هدف کلی این پژوهش، تعیین سطح اعتماد دانشجویان نسبت به منابع اعتماد (دولت، دانشمندان و گروه‌های زیست محیطی) و بررسی تفاوت اعتماد به دولت، سازمان‌های خصوصی زیست محیطی و دانشمندان براساس جنسیت و دانشکده محل تحصیل است.

مبانی نظری

در دوره مخاطرات، دانش و آگاهی قادر به کاهش دغدغه‌ها و کمک به فرد است تا در دوراهی‌های اجتماعی، فرد با اطمینان خاطر تصمیم‌گیری کند (صالحی و پازوکی‌نژاد، ۱۳۹۳). در علوم اجتماعی دامنه گسترده‌ای از پژوهش‌های نظری و تجربی برای ارزیابی ایجاد و تخریب اعتماد در مقابله با خطر وجود دارد (پورتینگا^۴ و پیدجیون^۵، ۲۰۰۳). به‌ویژه بین اعتماد اجتماعی اجتماعی و تصور خطر در مدیریت خطرپذیری ارتباط وجود دارد. براساس یافته‌های مربوط به مخاطرات فنی و اعتماد اجتماعی، دولت‌ها و کارگزاران صنعتی کمترین اعتماد را بین مردم دارند (اسلوویک^۶، ۱۹۹۳). در مقابل، اطلاعات رسانه‌های جمعی و دانشمندان اعتمادپذیرتر از

1. Kyoto Protocol
2. Clean Development
3. Smith
4. Poortinga
5. Pidgeon
6. Slovic

اطلاعات نهادهای سیاسی یا دولتی است (فریور^۱ و همکاران، ۱۹۹۶). نقش رسانه‌های جمعی در بر ساخت مسائل اجتماعی و محیط زیست مهم است و به نظر هانیگن، یکی از شاخص‌های اساسی مؤثر بر تعریف یک مسئله اجتماعی است (هانیگن، ۱۳۹۳). مشکلات و مسائل محیط زیستی در صورتی مشکل اجتماعی محسوب می‌شود که جامعه و گروه‌های اجتماعی آن را در نقش یک مشکل اجتماعی به رسمیت بشناسند. یکی از ابزارهای مناسب برای پذیرش مشکلات و مسائل محیط زیستی منابع اطلاعاتی است. منابع اطلاعاتی در آگاهی مردم نسبت به وجود مسائل و مشکلات محیط زیستی و ترویج ارزش‌ها و نگرش‌های محیط زیستی و همچنین ایجاد دغدغه و مسئولیت‌پذیری جامعه برای تغییر وضع نامناسب از جمله تغییر آب‌وهوا و لزوم حمایت جمعی از سیاست‌های مقابله با مسائل نقش اساسی دارند (موزر^۲ و دیلینگ^۳، ۲۰۱۰).

با افزایش منابع اطلاعاتی محیط زیستی و تغییر نهادهای قدیمی نقش اعتماد برجسته تر شد سازمان‌هایی که خود را مسئول تعیین معیارهای تشخیص حق از باطل و درست از نادرست می‌دانستند. گواه این مدعا، اشکال نوین حاکمیت اطلاعات و ادعاهای حقیقی است. عامل مؤثر، ویژگی‌ها و میزان اعتمادپذیری نهادهای اطلاع‌دهنده و بنگاه‌های تولید اطلاعات است نه کیفیت ذاتی و درونی اطلاعات. در این باره، کارولان و بل (۲۰۰۳) هم عقیده‌اند که حقیقت یک آگاهی اجتماعی و بخش اصلی راه حل برای مقابله با ابهام‌های اطلاعاتی است. حاکمیت به جای کاهش رنگ و بوی اجتماعی حقیقت را آن را اجتماعی تر می‌کند. فقط با اعتماد قادر به تمیز درست از نادرست خواهیم بود (مول^۴، ۲۰۰۷: ۱۵۳).

با وجود این، مفهوم اعتماد در دوران اطلاعات تغییر کرده و اعتماد به اشخاص و رهبران مبهم‌تر شده و با اعتماد به نهادها، تولیدکننده‌ها، کارشناسان و نظام‌های اجتماعی جایگزین شده است. نظرسنجی‌های گوناگون (مانند نظرسنجی‌های یوروبارومتر^۵ که اعتبار و ارزش نهادها را در نقش اطلاعاتی‌شان در حاکمیت محیط زیستی رتبه‌بندی می‌کنند) شاخص‌های واضحی از نهادهای اعتمادپذیر و مطمئن به دست می‌دهند؛ بنابراین به نهادهای قدرتمند در حاکمیت محیط زیستی تبدیل می‌شوند. پایایی و اطمینان‌خاطر بالای سازمان‌های خصوصی در مقابل سیاستمداران و شرکت‌های تجاری، عامل مهمی در روابط جدید قدرت در حاکمیت اطلاعات

1. Frewer
2. Moser
3. Dilling
4. Mol
5. Eurobarometers

محیط زیستی است. اما اعتماد نه یک مفهوم ایستا بلکه پویا و نیازمند بازساخت و بازسازی است (مول، ۲۰۰۷).

روش‌ها نیز باید باورپذیر باشند. در حاکمیت اطلاعاتی به‌ویژه با درخطر بودن روند اینترنتی اطلاعات، شفافیت و پاسخگویی از سازوکارهای کلیدی اعتماد سازی هستند. این منابع مدعی دوام و ماندگاری محتوای اطلاعات یا ارزشمندی همه آنها نیستند. معیارهای رایج پیوستگی، شمولیت، عینیت و اثبات‌پذیری همگی از گام‌های مهم و جدی اولیه در ارزیابی کیفیت اطلاعات هستند. مباحث استدلالی و دموکراسی گفتمانی حول محور گفت‌وگوها و ابهام‌های جدی هستند، اما محدود به بحث‌ها نیستند. اکنون با اطلاعات مبالغه‌آمیز، برخورداری از منبع اطلاعاتی با جهت‌گیری‌های متعدد، ترکیبی از کیفیت اطلاعات با کنشگران معتمد و اطلاعات شفاف و دقیق، جدی است. بنابراین، در فرآیند ارتباط برای درک تغییر آب‌وهوا، دلایل قانع‌کننده از سوی منابع اطلاعاتی معتمد و مطمئن پذیرفته می‌شوند. اعتبار و مشروعیت ویژگی‌های ذاتی پیام هستند که مخاطبان پیام‌های تغییر آب‌وهوا با استفاده از این دو عامل گوینده‌های پیام و اطلاعات را ارزیابی می‌کنند (موزر و دیلینگ، ۲۰۰۴).

پیشینه پژوهش

ادبیات نظری موجود درباره محیط زیست و حفاظت از آن، دامنه گسترده‌ای از مفاهیم و موضوع‌ها را دربرمی‌گیرد که بر نگرش و رفتار محیط زیستی مؤثر است. براساس نتایج و دیدگاه‌های موجود، آگاهی و دانش محیط زیستی فقط بخشی از این دامنه وسیع را دربر می‌گیرد. در حالی که شکل‌گیری و افزایش آگاهی و دانش، به وجود اعتماد به منابع اطلاعات محیط زیستی وابسته است. به خصوص اینکه امروزه به فهرست بحران‌های جهانی، علاوه بر بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌بایست مشکلات و بحران‌های محیط زیستی همچون تغییر جهانی آب‌وهوا، گرم شدن جهانی و نازک شدن لایه ازن را نیز افزود. در این بخش، پژوهش‌هایی را درباره نقش و اهمیت اعتماد اجتماعی در تغییر رفتارهای محیط زیستی به طور عام و شناخت تغییر آب‌وهوا و مقابله با آن به طور خاص بررسی می‌کنیم. برای نمونه در ایران، پازوکی‌نژاد (۱۳۹۱) در بررسی شناخت دانشجویان نسبت به تغییر آب‌وهوا دریافت که ۳۰/۴ درصد دانشجویان به اطلاعات نهادهای دولتی و ۴۱/۶ درصد به اطلاعات نهادهای خصوصی در زمینه تغییرات جوی اعتماد می‌کنند. ۵۱ درصد دانشجویان، به نظر دانشمندان مبنی

بر گرم شدن جهانی اعتماد دارند و در نهایت، نزدیک به ۴۱ درصد دانشجویان، گروه‌های حامی محیط زیست را از جمله نهادهای مؤثر بر تغییرات جوی می‌دانند. بابایی (۱۳۹۳) نیز در بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شناخت و رفتار دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا نسبت به تغییر آب‌وهوا در همدان دریافت که بین نهادهای دولتی، شهرداری با میانگین ۴/۶ از ۵ بیشترین میزان اعتماد را از سوی دانشجویان داشت و اعتماد به نهادهای دولتی در شناخت و رفتار دانشجویان نسبت به تغییر آب‌وهوا تأثیر داشت. به گونه‌ای که به ازای یک واحد افزایش در نمره اعتماد به نهادهای دولتی، ۰/۱۵ واحد در نمره رفتارهای زیست محیطی آنها افزایش دیده می‌شد. براساس پژوهش صالحی و پازوکی‌نژاد (۱۳۹۳الف) مشخص شد که بررسی فعالیت‌های نهادی محیط زیست مانند انتقال مسائل محیط زیستی به مسئولان، توجه به برنامه‌های محیط زیستی مسئولان، گزارش تخلف‌های محیط زیستی و همچنین توجه به برنامه‌های محیط زیستی نمایندگان هنگام انتخابات که اعتماد به مسئولان حوزه حفظ محیط زیست را می‌سنجید، سطح مشارکت دانشجویان در این‌گونه فعالیت‌ها کم بوده است (میانگین ۲/۵۰ از ۴). صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۱) در بررسی نقش سرمایه اجتماعی در بهبود رفتارهای مسئولان محیط زیستی دریافتند که اعتماد اجتماعی یا اعتماد به سازمان‌های ارائه‌دهنده اطلاعات، ضعیف است. در حالی که در بررسی خوش‌فر و همکاران (۱۳۸۹)، اعتماد نهادی بیشترین ارتباط را با رفتار محیط زیستی در شمال ایران داشته و نسبت به دیگر متغیرها پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری بوده است. برخی از محققان خارجی مانند ترانتر^۱ و اسکربایس^۲ (۲۰۱۰) در استرالیا نگرش ۴۵۷ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی درباره تغییر آب‌وهوا را بررسی کردند. آنها دریافتند دانش‌آموزان دختر دغدغه بیشتری برای تغییر آب‌وهوا دارند؛ در نتیجه آن را تهدیدی واقعی برای جامعه تلقی می‌کردند. سطح اعتماد به گروه‌های محیط زیستی نیز کاهش داشت اما سطح آن بر مبنای اعتماد اجتماعی متفاوت بود. لیزروتیز^۳ و همکارانش (۲۰۱۱) در پیمایشی اینترنتی در ایالات متحده دریافتند که دانشمندان بین دولت و رسانه‌ها معتمدترین گروه‌ها در زمینه ارائه اطلاعات تغییر آب‌وهوا بودند. سطح اعتماد بر مبنای جنسیت، تحصیلات، درآمد متفاوت نبود اما بر مبنای نژاد، تعلقات حزبی و ارزش‌ها متفاوت بود. لیویستون^۴ و والکر^۵ (۲۰۱۱) در پیمایشی در استرالیا دریافتند افرادی که

1. Tranter
 2. Skrbis
 3. Leiserowitz
 4. Leviston
 5. Walker

تغییر آب‌وهوا را فرآیندی طبیعی تلقی کرده بودند کمترین اعتماد را به منابع اطلاعاتی داشتند و دانشمندان بیشترین سطح اعتماد را داشتند؛ در مقابل، افرادی که تغییر آب‌وهوا را پدیده‌ای انسان‌ساخت می‌دانستند، به دولت اعتماد بیشتری داشتند. هانیکسا و روزانی (۲۰۰۵)، در یک پژوهشی تطبیقی میزان اعتماد اجتماعی برای مدیریت مخاطرات محیط زیستی را در ایالات متحده و چین بررسی کردند. در این پژوهش ۲۸۰ نفر از چین و ۲۴۰ نفر از ایالات متحده شرکت داشتند. روش بررسی پیمایش بود. براساس یافته‌های این دو پژوهشگر، سطح اعتماد به دولت در هر دو کشور پایین بوده اما اندازه آن برای مردم چین بسیار کمتر بوده است. این تفاوت ناشی از تفاوت‌های نظام فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر دو کشور بوده است. تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که اعتماد اجتماعی فقط ۳ درصد تغییر در مدیریت مخاطرات محیط زیستی را در چین و آمریکا تبیین می‌کرد.

با مروری بر پژوهش‌های پیشین نتیجه می‌گیریم که در زمینه نگرش و رفتارهای محیط زیستی به‌طور عام نقش اعتماد اجتماعی در قالب سرمایه اجتماعی بررسی شده است؛ در حالی که به نظر می‌رسد با توجه به مخاطرات و بحران‌های محیط زیستی نوین مانند تغییر آب‌وهوا نیاز است تا سطح اعتماد به نهادهای مرتبط با این موضوع برحسب گروه‌های اجتماعی از جمله زنان برای برنامه‌ریزی‌های آینده مشخص شود. در پژوهش‌های خارجی نیز موضوع اعتماد به منابع اطلاعاتی تغییر آب‌وهوا با نمونه‌های آماری متفاوت و به‌صورت تطبیقی انجام شده است و سطح اعتماد به منابع نیز بر مبنای متغیرهای زمینه‌ای بررسی شده است.

روش شناسی

این پژوهش به روش توصیفی-پیمایشی انجام شده و روش گردآوری اطلاعات آن کتابخانه‌ای و میدانی است. ابزار اصلی برای گردآوری داده‌های لازم، پرسشنامه بود. جامعه آماری را کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ در یکی از مراکز آموزش عالی استان مازندران (دانشگاه مازندران در بابلسر، دانشگاه صنعتی نوشیروانی در بابل، دانشگاه علوم کشاورزی در ساری، دانشگاه علوم پزشکی در بابل و دانشگاه دامپزشکی آمل) تشکیل دادند که تعداد آنها ۱۱۰۰۰ نفر بود. با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری طبقه‌ای، ۴۱۱ نفر از دانشجویان برای نمونه آماری تعیین شدند. داده‌ها با مراجعه به دانشکده نامبرده و تکمیل پرسشنامه از نمونه‌ها جمع‌آوری و سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS پردازش شد. برای توصیف

داده‌ها از جداول فراوانی، میانگین استفاده شد و برای تحلیل استنباطی داده‌ها نیز از آزمون تی تست و آنووا استفاده شد. در این پژوهش برای تعیین اعتبار ابزار پژوهش (پرسشنامه) از اعتبار صوری استفاده شده است. برای تنظیم پرسشنامه، ابتدا با مراجعه به سازمان حفاظت از محیط زیست کشور و مصاحبه با کارشناسان (به‌ویژه کارشناسان و متخصصان دفتر ملی تغییر آب و هوا)، از فعالیت‌های انجام‌شده، آگاهی به‌دست آوردند. علاوه بر این، از پرسشنامه‌های برخی از پژوهش‌های خارجی مانند پژوهش کیل استید (۲۰۰۸) استفاده شد. برای سنجش متغیر منابع اعتماد از شش گویه زیر استفاده شده است:

- من به اطلاعات منابع دولتی در خصوص تغییر آب‌وهوا اعتماد دارم.
 - من به اطلاعات منابع خصوصی در خصوص تغییر آب‌وهوا اعتماد دارم.
 - به نظر من، دانشمندان شناخت دقیقی از گرم شدن جهانی و تغییر آب‌وهوا دارند.
 - دانشمندان قادرند از نگرانی ما نسبت به خطر گرم شدن جهانی و تغییر آب‌وهوا بکاهند.
 - گروه‌های حامی محیط زیست، اطلاعات درستی درباره تغییرات جوی دارند.
 - به نظر من، دولت مسئول اصلی کاهش تغییرات آب‌وهوایی است.
- با توجه به داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها، شاخص‌های نامبرده با یکدیگر آمیخته شدند و متغیر منابع اعتماد به‌وجود آمد. سپس چگونگی پایایی ابزار سنجش با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ، ۶۱ درصد برآورد شد که با حذف گویه (به نظر من، دولت مسئول اصلی تغییرات آب‌وهوایی است)، پایایی متغیر به ۶۸ درصد افزایش یافت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های به‌دست‌آمده با آمارهای توصیفی هریک از متغیرهای بررسی‌شده نشان می‌دهد که از مجموع ۴۱۱ نفر دانشجوی، ۴۰ درصد مرد و ۶۰ درصد زن بودند. ۸۱/۵ درصد ساکن شهر و ۱۸/۵ درصد ساکن روستا بودند. ۱۳/۴ درصد در دانشکده علوم کشاورزی، ۱۰ درصد در دانشکده مهندسی عمران، ۹/۵ درصد در دانشکده علوم انسانی و اجتماعی تحصیل می‌کردند. جدول ۱ نیز توزیع فراوانی اعتماد به منابع اعتماد (دولت، سازمان‌های خصوصی محیط زیستی و دانشمندان) را نشان می‌دهد.

الف) توزیع فراوانی پاسخ‌ها بر مبنای اعتماد به منابع اعتماد: بنا به نظر کیل استید^۱ (۲۰۰۸)، اعتماد به معنای مطمئن بودن اطلاعات ارائه‌شده از سوی مجموعه‌ای از نهادهای دولتی و خصوصی است که برنامه‌ریز و طراح مجموعه‌ای از راه‌حل‌ها برای کاهش آثار مخرب گرم‌شدن جهانی باشند و افراد را به یقین و قطعیت برسانند (ص ۸). جدول ۱ توزیع فراوانی پاسخ‌ها را بر مبنای این متغیر نشان می‌دهد.

جدول ۱. توزیع فراوانی گویه‌ها بر مبنای منابع اعتماد

گویه	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)
من به اطلاعات منابع دولتی در خصوص تغییر آب‌وهوا اعتماد دارم.	۲۲/۵	۳۲/۶	۲۳	۱۳/۴	۰/۵	۳/۴۶	۱/۲۳
من به اطلاعات منابع خصوصی در خصوص تغییر آب‌وهوا اعتماد دارم.	۸/۶	۳۳/۷	۳۱	۱۸/۷	۷/۵	۳/۱۵	۱/۰۹
به نظر من، دانشمندان شناخت دقیقی از گرم شدن جهانی و تغییر آب‌وهوا دارند.	۲۷/۸	۴۳/۳	۱۰/۲	۱۸/۷	-	۳/۸۰	۱/۰۴
دانشمندان می‌توانند از میزان نگرانی ما نسبت به خطر گرم شدن جهانی و تغییر آب‌وهوا بکاهند.	۲۵/۱	۳۹/۶	۲۳	۱۱/۲	۱/۱	۳/۷۶	۰/۹۸
گروه‌های حامی محیط زیست، اطلاعات درستی درباره تغییرات جوی دارند.	۳۱	۴۲/۲	۱۹/۳	۴/۸	۲/۷	۳/۹۴	۰/۹۶
(۱) کاملاً موافقم، (۲) موافقم، (۳) نظری ندارم، (۴) مخالفم، (۵) کاملاً مخالفم، (۶) میانگین، (۷) انحراف معیار							

با مقایسه میانگین‌های گویه‌ها در جدول ۱، گویه «گروه‌های حامی محیط زیست، اطلاعات درستی درباره تغییرات جوی دارند» با میانگین ۳/۹۴ از ۵ بیشترین میانگین را دارند و گویه «من به اطلاعات منابع خصوصی در خصوص تغییر آب‌وهوا اعتماد دارم» با میانگین ۳/۱۵ کمترین مقدار میانگین را داشته‌اند. به‌طور کلی، میانگین اعتماد به منابع، ۳/۶۲ است که کمی بیشتر از سطح متوسط است.

ب) تفاوت مطمئن بودن منابع اعتماد بر مبنای جنسیت: براساس پژوهش‌ها، زنان نسبت به مردان دغدغه بیشتری نسبت به مشکلات محیط زیستی دارند؛ به خصوص مشکلاتی که خطری جدی برای امنیت و سلامت اعضای جامعه به‌شمار می‌رود (مک‌گرایت^۱، ۲۰۱۰: ۶۸). در جدول ۲ میزان اعتماد دانشجویان به منابع اعتماد بر مبنای جنسیت بیان شده است.

جدول ۲. تفاوت مطمئن بودن از منابع اعتماد بر مبنای جنسیت (آزمون تی)

متغیر	بالاترین رتبه میانگین		سطح معناداری
	مرد	زن	
اعتماد به دولت	۳/۶۶	۳/۱۸	۱/۷۷
اعتماد به منابع خصوصی	۷/۶۹	۷/۰۱	۰/۰۷
اعتماد به دانشمندان	۷/۸۵	۷/۱۵	۰/۰۵

براساس یافته‌های جدول ۲، فقط در گزینه اعتماد به دانشمندان، دیدگاه دانشجویان بر مبنای جنسیت با هم تفاوت دارند. میانگین دو گروه نیز نشان می‌دهد دانشجویان پسر به دانشمندان اعتماد بیشتری دارند که این تفاوت نیز در اعتماد به دولت و منابع خصوصی نمایان است.

ج) تفاوت میزان اعتماد به منابع اطلاعات تغییر آب‌وهوا بر مبنای دانشکده

جدول ۳. تفاوت میزان اعتماد به منابع اطلاعات تغییر آب‌وهوا بر مبنای دانشکده (آزمون

آنووا)

سطح معناداری	مقدار آزمون	اعتماد به منابع اعتماد
۰/۲۶	۱/۳۴	دولت
۰/۰۲	۳/۲۹	منابع خصوصی
۰/۰۰	۱۴/۶۷	دانشمندان

براساس نتایج جدول ۳، دانشجویان در اعتماد به منابع خصوصی و دانشمندان بر مبنای دانشکده محل تحصیل خود، تفاوت معناداری دارند. تحلیل میانگین‌ها نیز نشان داد در اعتماد به دولت، هیچ تفاوت معناداری بین دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران،

دانشکده مهندسی عمران در دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه علوم کشاورزی ساری، دانشکده علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی بابل و دانشکده دامپزشکی آمل دیده نشد. بر مبنای اعتماد به منابع خصوصی، دانشکده منابع طبیعی (با تفاوت میانگین ۰/۹۸ و سطح معناداری ۰/۰۱) و علوم پزشکی (با تفاوت میانگین ۰/۹۸- و سطح معناداری ۰/۰۱) بیشترین اعتماد را به منابع خصوصی و نیز دانشکده‌های مهندسی عمران (با تفاوت میانگین ۱/۹۴ و سطح معناداری ۰/۰۰) منابع طبیعی (با تفاوت میانگین ۸۱ و سطح معناداری ۰/۰۵) و در نهایت دانشکده علوم پزشکی (با تفاوت میانگین ۱/۳۶ و سطح معناداری ۰/۰۰) نسبت به دانشکده علوم انسانی و اجتماعی بیشترین اعتماد را به دانشمندان داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه مقابله با خطرهای جمله خطرهای محیط زیستی مستلزم مشارکت و اعتمادسازی است. مک ناگتن (۱۳۸۷) معتقد است ادراک مردم از مخاطرات محیط زیستی به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر با دغدغه‌های گسترده‌تر در زمینه زندگی اجتماعی و مدنی پیوند دارد. مخاطرات محیط زیستی، دغدغه‌ها، نگرش‌ها، مسئولیت‌های محیط زیستی افراد با روابط اعتمادآمیز بلندمدت‌ترشان متأثر از آن دسته سازمان‌ها و گروه‌هایی است که مسئولیت رسمی در قبال محیط زیست و مقابله با مخاطرات محیط زیستی مانند تغییر آب‌وهوا دارند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۱). بر اساس یافته‌های جدید علمی در مطالعات علم و فناوری، روان‌شناسی اجتماعی و نظریه اجتماعی عمومی، اعتماد گونه‌ای از رفتار عقلانی، عاطفی، نامتقارن و پیش‌بینی‌کننده است که نه به واسطه اطلاعات و جذب دانش، بلکه به واسطه درگیری عاطفی و فرآیند معناسازی گسترش می‌یابد (ایگدال^۱ و لیزهوک^۲، ۲۰۱۲).

هدف از انجام این پژوهش، تعیین سطح اعتماد دانشجویان نسبت به منابع مانند سازمان‌های دولتی مسئول، سازمان‌های خصوصی حامی محیط زیست و دانشمندان بود. همچنین، با توجه به آسیب‌پذیری بیشتر زنان نسبت به مخاطرات محیط زیستی (به دلیل جامعه‌پذیری و تعریف نقش‌های جنسیتی)، تعیین سطح اعتماد به سازمان‌های مربوطه بر اساس جنسیت نیز از دیگر اهداف این پژوهش بود. این پژوهش بین دانشجویان مراکز آموزش عالی استان مازندران در

1. Engdahl

2. Lidskog

سال ۱۳۹۲ و با روش کمی انجام شده است. در این پیمایش، ۴۱۱ نفر از پاسخگویان در آن مشارکت داشتند که ۶۰ درصد زن و ۴۰ درصد مرد بوده و ۸۱/۵ درصد ساکن شهر و ۱۸/۵ درصد ساکن روستا بودند. ۱۳/۴ درصد در دانشکده علوم کشاورزی، ۱۰ درصد در دانشکده مهندسی عمران، ۹/۵ درصد در دانشکده علوم انسانی و اجتماعی تحصیل می‌کردند (براساس بیشترین درصدها). یافته‌ها حاکی از میزان اعتماد متوسط دانشجویان به منابع بوده است. با وجود این، اعتماد دانشجویان به دانشمندان بیشتر بود. در حالی که دانشجویان دولت را منبع معتمد برای مقابله با تغییر آب‌وهوا نمی‌دانستند. این نتیجه با نتایج پژوهش‌هایی همچون صالحی و امام قلی (۱۳۹۱) و صالحی و پازوکی‌نژاد (۱۳۹۳ الف) و هانیکسا و روزانی (۲۰۰۵) در ایالات متحده همخوانی داشت. زیرا سطح اعتماد نهادی دانشجویان به سازمان‌های مسئول محیط زیست کم بود. اما خوشفر و همکاران (۱۳۸۹) و بابایی (۱۳۹۳) دریافتند که با افزایش اعتماد به سازمان‌های دولتی، رفتارهای محیط زیستی نیز بهبود خواهد یافت. در تحلیل جنسیتی اعتماد نیز فقط در اعتماد به دانشمندان بین دانشجویان تفاوت وجود داشت. این نتیجه با نتیجه به‌دست‌آمده از پژوهش لیزروتیز و همکارانش (۲۰۱۱) در ایالات متحده همخوان نبود. همچنین، دانشجویان در اعتماد به منابع خصوصی و دانشمندان براساس دانشکده محل تحصیل خود، تفاوت معنادار داشتند و دانشکده‌های منابع طبیعی، مهندسی عمران و دانشکده علوم پزشکی در اعتماد به اطلاعات دانشمندان و منابع خصوصی رتبه‌های بیشتری داشتند.

یکی از نتایج برجسته این پژوهش، وجود تفاوت‌های جنسیتی در اعتماد به منابع اعتماد بود. طوری که دانشجویان دختر اعتماد کمتری به این منابع داشتند. به نظر می‌رسد نظریه تفاوت‌های جنسیتی ممکن است به تبیین این مسئله کمک کند. براساس پژوهش‌ها، زنان نسبت به مردان کمتر اعتماد می‌کنند و میزان مشارکت‌شان در فعالیت‌های داوطلبانه نیز نسبت به مردان کمتر است که پایین بودن سطح اعتماد زنان به پایین بودن سطح سرمایه اجتماعی آنها برمی‌گردد (متیو^۱، ۲۰۰۷: ۱۷). ممکن است گروه‌هایی که نسبت به آنها تبعیض‌آمیز رفتار می‌شود کمتر به دیگران اعتماد می‌کنند. این مسئله در رابطه با بحران تغییر آب و هوا نیز تحلیل‌پذیر است. ممکن است میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های مقابله با تغییر آب‌وهوا (کاهش و سازگاری) در کشورهای پیشرفته نسبت به کشورهای در حال توسعه به دلیل متفاوت بودن

زمینه‌ها (سیاسی، فرهنگی و اجتماعی) به نسبت بیشتر باشد، بنابراین میزان آسیب‌پذیری آنها نیز کمتر است. در کشورهای در حال توسعه، گروه‌های فقیر، آسیب‌پذیر و در حاشیه به دلیل وجود هنجارهای اجتماعی، نقش‌های اجتماعی تعریف‌شده و محدودیت‌های فرهنگی از کمترین توانمندی‌ها و فرصت‌ها برای آمادگی مقابله با آثار تغییرات آب‌وهوا به دلیل محدود بودن منابع و امکانات موجود باشد (جو، ۲۰۱۲: ۶). این توانمندی‌ها و دارایی‌ها به گروه‌های حاشیه‌ای در هماهنگی خود با شوک‌های ناشی از تغییر آب‌وهوا و آثار بلندمدت آن کمک می‌کند. این دارایی‌ها ممکن است سرمایه طبیعی، سرمایه محیطی، سرمایه انسانی (تحصیلات، مهارت‌ها، دانش، سلامت، زمان و نیروی کار)، سرمایه مالی (پس‌اندازها، درآمد)، سرمایه سیاسی (حق شهروندی، مشارکت فعال در حاکمیت و برخورداری از امتیازات) باشند. نگرش‌های متفاوت مردان و زنان منعکس‌کننده تجربه‌ها، صلاحیت‌ها و موقعیت‌های متفاوتی است که ناشی از پذیرش نقش‌های مختلف است. در بیشتر مواقع، محققان بر نقش‌های تولیدی یا بازتولیدی مانند پایگاه شغلی، خانه‌داری و فرزندپروری تأکید دارند (مک رایت، ۲۰۱۰: ۷۱). بنابراین، یکی از علل بی‌اعتمادی زنان به منابع اطلاعات در کشورهای در حال توسعه مثلاً ایران، یا در این مورد خاص در سطح استان مازندران این است که آنها گروه‌های حاشیه‌ای و کم‌اثر تلقی می‌شوند.

یکی دیگر از نتایج این پژوهش، متفاوت بودن سطح اعتماد به منابع اطلاعات تغییر آب‌وهوا براساس دانشکده محل تحصیل بود. طوری که دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشکده‌های منابع طبیعی، مهندسی عمران و دانشکده علوم پزشکی بیشترین اعتماد را به دانشمندان و منابع خصوصی داشتند. در حالی که دانشجویان دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، با دانشجویان دیگر متفاوت بودند. وجود پیشینه مفهومی و نظری از یک پدیده، به درک بهتر آن پدیده و قابلیت مقایسه درستی اطلاعات ارائه‌شده از سوی منابع آن کمک می‌کند. برای نمونه پازوکی‌نژاد (۱۳۹۱) و صالحی و پازوکی‌نژاد (۱۳۹۳) دریافتند که دانشجویان رشته‌های علوم کشاورزی و منابع طبیعی، دانش نظری و کاربردی بیشتری نسبت به تغییر آب‌وهوا دارند. در نتیجه مخاطبانی که زمینه علمی مشترکی با دانشمندان در رشته‌های مرتبط مانند اقلیم‌شناسی و علوم محیطی دارند معمولاً اطلاعات را معتبر و باورپذیر برآورد می‌کنند. بنابراین باتوجه به اینکه حل مشکل تغییر آب‌وهوا به همکاری جمعی نیاز دارد و نیز به دلیل علمی بودن ابعاد آن، دولت ایران

می‌بایست زمینه را برای گسترش فعالیت‌های سازمان‌ها و تشکل‌های مردمی حامی محیط زیست فراهم کند. این موضوع با نتایج این پژوهش ارتباط نزدیک دارد؛ یعنی اعتماد دانشجویان به منابع خصوصی و دانشمندان و نقش زنان در مدیریت منابع مصرفی خانواده که در راستای اجرای سیاست‌های کاهش آثار تغییر آب‌وهوا مانند کمبود آب و کاهش ذخایر انرژی ممکن است مؤثر باشد. مشارکت جمعی و رسمی زنان در کاهش احساس بی‌قدرتی و تقویت اعتماد زنان به منابع اطلاعات مؤثر است. این فرآیند برنامه‌ریزی مشارکتی به زنان می‌آموزد که مهارت‌های مدیریتی و حمایتی خود را به صورت گروهی هنگام وقوع بحران‌های محیط زیستی و حوادث طبیعی بهبود دهند. در نهایت، وزارت علوم نیز سیاست پژوهش مشارکتی (مبتنی بر همکاری‌های بین رشته‌ای) را توسعه می‌دهد و از آن حمایت می‌کند. در واقع، تحقق پیمان کیوتو که ایران یکی از امضاکنندگان است و اجرای موفق سیاست‌های کاهش، منوط به آن است که دولت در همه بخش‌ها از جمله نظام آموزش عالی، سرمایه‌گذاری جدی انجام دهد. در واقع، همکاری جدی دولت، سازمان آموزش عالی و رسانه‌ها سبب افزایش سطح علم دانشجویان می‌شود تا کنش‌های معناداری در راستای کاهش تغییر آب‌وهوا انجام دهند.

منابع

- اسلندر، اریک و رودستین، بو (۱۳۸۷)، «همه چیزی برای برابری و اعتماد اجتماعی»، ترجمه ابوعلی ودادهیر و مرتضی زین‌آبادی، پژوهشنامه اعتماد اجتماعی، شماره ۱۶: ۱۲۷-۱۵۰.
- ایروین، آلن (دردست چاپ)، جامعه‌شناسی و محیط زیست، ترجمه صادق صالحی، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران.
- بابایی، طاهره (۱۳۹۳)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتار و شناخت دانشجویان نسبت به تغییرات جهانی آب‌وهوا (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا شهر همدان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: صادق صالحی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران.
- بری، جان (۱۳۸۰)، محیط زیست و نظریه اجتماعی، ترجمه حسن پویان و نیره توکلی، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- بازوکی‌نژاد، زهرا (۱۳۹۲)، بررسی نگرش دانشجویان نسبت به تغییر جهانی آب‌وهوا و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: صادق صالحی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران.
- تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: نشر شیرازه.

- حقیقتیان، منصور؛ پورافکاری، نصرالله و جعفری‌نیا، غلامرضا (۱۳۹۱)، «تأثیر رفتارهای اجتماعی محیط زیستی بر توسعه اجتماعی»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، شماره ۱: ۱۳۵-۱۵۴.
- خوش‌فر غلامرضا؛ صالحی صادق و لقمان، امام‌قلی (۱۳۸۹)، «بررسی رفتار مردم نسبت به محیط زیست»، *همایش مهندسی محیط زیست دانشگاه تهران*.
- ساتن، فیلیپ (۱۳۹۲)، *جامعه‌شناسی محیط زیست*، ترجمه صادق صالحی، تهران: انتشارات سمت.
- سویزی، محسن و محمدی، فربرز (۱۳۹۰)، «نقش سرمایه اجتماعی در تأمین امنیت سرمایه‌گذاری»، *فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری*، شماره ۳: ۱۱۹-۱۴۷.
- صالحی، صادق و امام‌قلی، لقمان (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتارهای زیست محیطی (مطالعه موردی: استان کردستان)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۴: ۹۰-۱۱۵.
- صالحی، صادق و پازوکی‌نژاد، زهرا (۱۳۹۳الف)، «تحلیل عوامل اجتماعی موثر بر نگرش و عملکرد محیط زیستی دانشجویان»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۳: ۷۶-۸۸.
- صالحی، صادق و پازوکی‌نژاد، زهرا (۱۳۹۳ب)، «ارزیابی اجتماعی دانش دانشجویان غیر آب‌وهواشناس نسبت به تغییر اقلیم»، *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، شماره ۳۳: ۱۷۱-۱۹۴.
- صالحی، صادق؛ سلیمانی، کریم و پازوکی‌نژاد، زهرا (۱۳۹۱)، «تحلیل کیفی نگرش دانشجویان نسبت به تغییرات جهانی آب‌وهوا»، *سومین همایش بین‌المللی تغییر اقلیم و گاه‌شناسی درختی در اکوسیستم‌های طبیعی*، ساری، دانشگاه علوم کشاورزی.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۷)، *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مک‌ناگتن (۱۳۸۷). «اعتماد و مخاطرات زیست محیطی»، *در اعتماد و سرمایه اجتماعی*، همس، لزلی و تونکس، فران (ویراستاران)، ترجمه‌ی محمد تقی دلفروز، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- هانیگن، جان (در دست چاپ)، *جامعه‌شناسی محیط زیست*، ترجمه صادق صالحی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- Canan,P.(2009), "Ideas and Methods that Sociology can Contribute to Climate Change Studies", *National Science Foundation in Arlington, Virginia*, (May 30-31, 2008), PP: 55-57.
- Engdahl, E and Lidskog, R.(2012), "Risk, communication and trust: Towards an emotional understanding of trust", *Public understanding of science*, No 32 (6): 703-717.
- Goh,A.(2012), *A Literature Review of the Gender-differentiated Impacts of Climate Change on Women's and Men's Assets and Well-Being in Developing Countries*,

CAPRI Working Paper No.106, Washington, D.C.: International Food Policy Research Institute.

- Hongxia,D and Rosanne, F.,(2005), **Social Trust and Global Environmental Risk Management: A Cross-Cultural Study Between The U.S. and China**, Accessed from [www.hkccf.org/.../Social%20Trust%20and%20Risk%20Management%20\(Nov/2/2013\)](http://www.hkccf.org/.../Social%20Trust%20and%20Risk%20Management%20(Nov/2/2013)).
- Kellstedt, P.M., Zahran, S., and Vedlitz, A. (2008) ,” Personal Efficacy , the Information Environment, and Attitudes Toward Global Warming and Climate Change in the United States” , **Risk Analysis** , No 28(1): 113-126.
- Khanh Nam,P.(2011), **Social Capital and Private Adaptation to Climate change: Evidence from the Mekong River Delta in Vietnam**, accessed from [www.gwu.edu,\(Nov/4/2013\)](http://www.gwu.edu,(Nov/4/2013)).
- Laurian, L. (2003), “A Prerequisite for Participation: Environmental Knowledge and What Residents Know About Local Toxic Sites”, **Journal of Planning, Education and Research**, No 22:257-269.
- Leiserowitz,A., Maibach,E, Roser-Renouf,C ,Smith,n and Dawson,E.(2011), **Climate gate, Public Opinion and Loss of Trust**, from [environment.yale.edu,\(Nov/4/2013\)](http://environment.yale.edu,(Nov/4/2013)).
- Leviston,Z and Walker,I.(2011), **Second Annual Survey of Australian Attitudes to Climate Change**, Research Report, National Research Climate Adaptation(CSIRO), accessed from [www.csiro.au ,\(Nov/3/2013\)](http://www.csiro.au ,(Nov/3/2013)).
- Matteo,M.(2007), **Trust, Gender and Social Capital: Experimental Evidence from Three Western European Countries**, Accessed from [www.csef.it/wise4/Migheli.pdf \(2013Nov\)](http://www.csef.it/wise4/Migheli.pdf (2013Nov)).
- Mc Gregor , S., (2010) ,”A Stranger Silence Still: The Need for Feminist Social Research on Climate Change “,**2010 The Editorial of Sociological Review** , Published by Wiley – Black Publishing Ltd , PP: 124-135 .
- McCright,A.M.,(2010), “The Effects of Gender on Climate Change Knowledge and Concern in the American Public”, **Popul Environ**, No 32: 66-87.
- Mol, A.(2007). **Environmental reform in the information age: The Contours of Informational Governance**, Cambridge press.
- Moser, S and Dilling, L.(2004), “Making climate hot communication the urgency and challenge of global climate change”, **Environment**, No 46(10), 32-46.
- Moser, S. C. and Dilling, L.(2010). “Communicating Climate Change: Opportunities and Challenges for Closing the Science-Action Gap”, In: **The Oxford Handbook of Climate Change and Society**, Richard Norgaard, David Schlosberg, John Dryzek eds.
- Poortinga, W., & Pidgeon, N.F.(2003). “Exploring the Dimensionality of Trust in Risk Regulation”, **Risk Analysis**, No 23(5): p961-972.
- Renn,O and Levine, D.(1991), **Credibility and Trust in Risk Communication**, Accessed from [elib.uni-stuttgart.de/opus/volltexte/2010/5477/pdf/ren67.pdf \(2013,Nov\)](http://elib.uni-stuttgart.de/opus/volltexte/2010/5477/pdf/ren67.pdf (2013,Nov)).
- Slovic, P. (1993), “Perceived Risk, Trust and Democracy”, **Risk Analysis**, No 13(6): 675-682.
- Smyth, I., (2009), “Gender in Climate Change and Disaster Risk Reductions Manila”, **Development in Practice**, No 19(6): 799-802.
- Spellman, G., Field, K., and Sinclair,(2003), “Assessing UK Higher Education Students’ Awareness of Global Climate Change,” **Weather**, No 58(10), PP: 212-219.
- Tranter,b and Skrbis,Z.,(2010), **Attitudes toward Global Warming, Climate change and Other Environmental Issues among Young Queenslanders**, Accessed from [artsonline.monash.edu.au/\(Nov/3/2013\)](http://artsonline.monash.edu.au/(Nov/3/2013)).